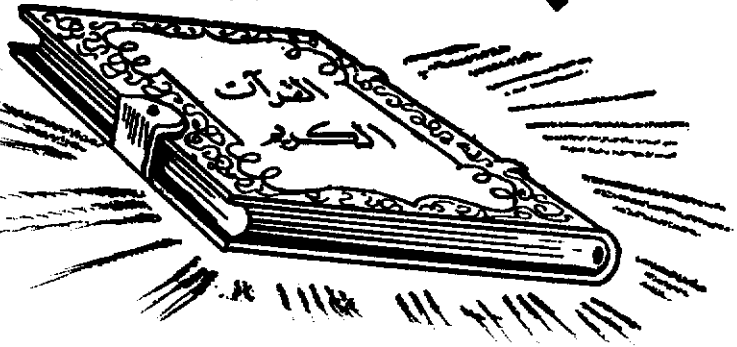


جهاد از دیدگاه

قرآن



محتوای آیات جهاد

آیات جهاد که در قرآن آمده است، متضمن مسائل گوناگون و متعددی است که همگی مربوط به جهاد در اسلام می باشد از قبیل نحوه روابط مسلمانان با غیر مسلمانان، اعم از مشرکان و اهل کتاب - وظیفه مردم با مسلمانان متخلف از جنگ و مساله آمادگی روحی برای جنگ و ستایش از رزمندگی و منع تجاوز بد دیگران مساله هجرت و تقیه و احکام آن، دعوت به اسلام و وجوب جهاد در اسلام - انواع و اقسام جهاد و جنگ و آئین و روشهای جنگ و مساله شکست و شهادت و مسائل مربوط به اسیران و مساله جزیه و متارکه جنگ با غیر مسلمانان و... و بطور کلی تمام ۲۶۰ آیه که بمعنای وسیع کلمه جهاد، در قرآن آمده است باین مسائل و نظائر آنها مربوط بوده و در حقیقت نظر اسلام را در مسائل مربوط به جنگ و جهاد، روشن می سازد.

جهاد با مشرکان و کفار

در سوره فرقان آیه ۵۲ آمده است ... (فلا تطع الکافرین و جاهد هم به جهادا کبیرا) " پس کافران را فرمان میر و با آنان، جهاد کن، جهاد بزرگی " سال بیست و دوم شماره ۵

برخی از مفسران گفته اند که مراد، جهاد با قول است یعنی جهاد با مشرکان با اصول قرآن و ابلاغ وحی و تلاوت آیات، و عده ای دیگر گفته اند که مراد از جهاد در این آیه، عدم اطاعت از کفار می باشد و به این وسیله، باید، جهاد با آنان کرد.

متفکر شهید استاد مطهری در کتاب جهاد در این مورد می نویسد آیات قرآن در مورد جهاد دو دسته اند " یک دسته آیاتی که دستور جهاد با کفار را به طور مطلق صادر می کند مثل آیه ۷۳ سوره توبه و با آیه ۶۲ ۲۹ همین سوره. و دسته دیگر که آیات مقتضی هستند مانند آیه ۱۹۰ سوره بقره که حکم می کند چون با شما جنگیدند با آنان بجنگید و آیه ۳۵ سوره توبه . . . و بعد از ذکر این آیات، نتیجه می گیرد که قاعده ای در محاورات عرفی داریم که در یک مورد دستور مطلق داده شده و جایی دستور مقید، در علم اصول می گویند مطلق را باید حمل بر مقید کرد بدین ترتیب، تشریح جنگ با کفار و مشرکان هنگامی است که اینان بخواهند با مسلمانان بجنگند و در مقام محاربه هستند^۱

خداوند در مورد دعوت به اسلام و تبلیغ کفار می فرماید (و اگر پروردگارتو می خواست هر که در زمین است همه ایشان، یکجا ایمان می آورند، پس آیا تو مردم را اکراه می کنی تا گروندگان باشند) و باز در جای دیگر از قرآن می فرماید (هیچ انسانی را نرسد که ایمان بیاورد مگر باذن خدا و پلیدی را بر آن کسان قرار دهد که نمی اندیشند.)

و در مورد چگونگی رفتار با کفار، خداوند در آیه ۱۳۰ سوره " طه " رسول اکرم را به شکیبائی فرا می خواند.

× × ×

۲- آیات مربوط به آمادگی جنگی

در عده ای از آیات گرچه صریحا امر به جهاد و جنگ نشده است لکن در نهایت به موضوع جنگ با دشمنان (کفار و مشرکان و منافقان) مربوط می شود که در حقیقت آماده سازی زمینه ذهنی برای جنگ به شمار می رود نه اقدام به عمل جهاد متن آیه ۱۰۵ سوره بقره . . . (ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا یسپرون) " آن کسی که در راه خدا کشته شده مرده نهندارید بلکه او زنده است و لکن شما این حقیقت را درک نمی کنید .

در ذیل این آیه مرحوم استاد علامه طباطبائی در "المیزان" ج ۲، ص ۲۰۲ می نویسد، صحبت از کشته شدن در راه خدا بمیان آمده و چنان توصیف شده است که با توجه به آن، جای هیچ گونه نگرانی باقی نمی ماند که کشته شدن در راه خدا در حقیقت مرگ نیست بلکه حیات و زندگی است آنهم چه حیاتی، بنابراین آیه مزبور و آیه ۱۵۴ همان سوره مومنان را آماده جهاد می کند.

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود می نویسد مراد از کشته شدگان، شهداء جنگ بدر می باشد و این قول عبدالله بن عباس است که این کشتگان، شش تن از مهاجران و هشت تن از انصار بودند و سبب نزول آیه، این بود که هنگامیکه نام شهیدان می آمد جمعی می گفتند مات فلان" - "مات فلان" یعنی فلانی مرد، حق تعالی این آیه را فرستاد و نهی کرد از این گفته و می فرماید "ایشان را مرده مگوی که ایشسان زنده اند" (تفسیر ابوالفتوح رازی ص ۳۷۸ - ۳۷۷)

نظیر این آیه آیه ۱۵۶ سوره بقره است که صحبت از ترس از دشمن می کند و می فرماید (و لنبلونکم بشی من الخوف والجوع و نقص من الاموال والانفس والشرات ...) "و البته شما را به سختی ها مثل ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت می آزمائیم ... " مراد از خوف در این آیه، خوف از دشمن می باشد چنانکه "عبدالله بن عباس" به آن تصریح می کند.

ابوالفتوح رازی از ابوعلی نقل می کند که خوف مزبور، خوف از جهاد است و برخی دیگر، آنرا بحرب یعنی جهاد با کفار تفسیر کرده اند. و در آیه ۱۴۰ سوره آل عمران مسلمانان را به مقاومت فرا می خواند و در آیه ۱۵۹ همین سوره، پیامبر را به مشورت در کار جهاد تشویق می کند (و شاورهم فی الامر) و آنگاه در آیه ۱۶۰ همین سوره چنین می فرماید اگر خدا شمارا یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید و اگر بخواری، و اگذارد آن کیست که بتواند از آن پس، شمارا یاری کند، و اهل ایمان تنها به خدا باید اعتماد کند.

و در سوره انفال آیه ۴۶ و ۴۷ صحبت از مقاومت و پایداری در برابر دشمن به میان آورده، آنجا که می فرماید "و همه با روح وحدت ایمانی پیرو فرمان خدا و رسول او باشید و هرگز، راه اختلاف و تنازع نباشد که در اثر تفرقه، ضعیف شده، و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد بلکه یکدل و پایدار و صبور باشید که خداوند همیشه با صابران است.

و در سوره احزاب آیه ۶۰ به منافقان مدینه که بر ضد اسلام و مسلمانان عمل

می کردند، اخطار می کند که اگر از انفاق و ایجاد اضطراب و دلهره در دل مسلمانان دست بردارند مومنان را به قتل با آنان بر می انگیزیم تا بر جان و مال ایشان مسلط شوند و در آیه ۶۰ همین سوره اخطار را بمرحله عمل در آورده و به مسلمانان فرمان می دهد که " این مردم پلید و بدکار رانده درگاه حقند، باید هر جا یافت شوند، آنان را گرفته بقتل برسانید."

۳- تشویق مبارزان

عده ای دیگر از آیات جهاد، جنگ آوران را تشویق و تمجید نموده و بدین وسیله ایجاد روحیه برای حاضر شدن در میدان جنگ می نمایند چنانکه خداوند در سوره بقره آیه ۱۹۰ می فرماید " در راه خدا با آنانکه به جنگ و دشمنی با شما برخیزند، جهاد کنید ولی ستمکار نباشید که خداوند ستمگران را دوست ندارد^۱ و در آیه ۲۱۶ همین سوره می فرماید " حکم جهاد بر شما مقرر شده است و حال آنکه بر شما ناگوار است"^۲

سپس در آیه ۲۱۷ همین سوره " جهاد" در راه خدا را غیر " فتنه" دانسته می فرماید (الفتنه اکبر من القتل) " فتنه انگیزی، فساد انگیزتر از قتل است" تا آنجا که در سوره یوسف آیه ۲۴۴ صریحا مردم را به جهاد دعوت می کند.

و در آیه ۱۴۲ منزلت مجاهدت در راه خدا و کسانی را که در سختی ها صبر و مقاومت می کنند بیان کرده است و در آیه ۱۴۶ همین سوره تصریح می کند که از پیروان پیغمبران جمعیت زیادی در جنگ کشته شده اند ولی آنان هرگز بهیمانک نشده اند و سر تعظیم قدر برابر دشمن فرود نیاورده اند و راه صبر و مقاومت پیش گرفته اند.

و در آیه ۱۵۸ سوره آل عمران صراحتا می فرماید " اگر در راه خدا بمیرید و یا کشته شوید، اندوهناک نشوید" که برحمت ایزدی پیوسته و بسوی خدا محشور خواهند شد و نظایر این آیه فراوان است از قبیل آیه ۸۴ سوره نساء که مومنان را به جهاد ترغیب می کند و آیه ۵۹ سوره نساء در باره بت برتری مجاهدین بر قاعدین و آیه ۱۰۴ همین سوره و آیه ۳۵ سوره ماعده که ترس از خدا و توسل باو و جهاد در راه او را مایه رستگاری می شمارد و در آیه ۵۴ همین سوره تصریح می کند که از نکوهش و ملامت دشمنان باک نداشته و در راه خدا جهاد بپردازید و همچنین آیات ۱۵ و ۱۶ و ۲۴ سوره انفال نیز در همین زمینه می باشد.

حکم جهاد در قرآن

در قرآن، آیاتی وجود دارد که صریحا بحکم به وجوب جهاد می کند از جمله آیه ۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴ از سوره بقره می باشد که ترجمه آنها چنین است

- ۱- و در راه خدا با آنان که برای نبرد با شما آماده شده اند پیکار کنید، ولی در آن، زیاده روی ننمائید که خداوند، زیاده روان را دوست ندارد.
- ۲- در هر کجا که بدیشان دست یافتید بکشیدشان و از هر کجا که شما را بیرون راندند بیرونشان برانید که تسهاری بسی، گران تر از کشتن است و در مسجد الحرام با آنان به کار راز نایستید تا آنکه در آنجا به کار زار با شما آیند و اگر به کار زار آمدند بکشیدشان که سزای کفر و رزان هم این است.
- ۳- پس اگر از جنگ دست کشیدند خداوند بخشاینده و مهربان است.
- ۴- با آنان کار زار کنید تا پایه تباهی و فسادى نماند و دین، تنها از آن خدا گردد پس اگر از جنگ باز ایستند، به آنها ستم نکنید چه ستم جز بر ظالمان روا نباشد.
- ۵- ماههای حرام را در مقابل ماههای حرام قرار دهید اگر کفار حرمت آنها را نگاه نداشتند و با شما به جنگ پرداختند، شما نیز آنان را مجازات کنید، و هر که ستمی بشما بنماید بقدر آن ستم کنید و از خدا بترسید و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است.

جهاد واجب عینی است یا کفائی؟

در اینکه آیا آیات مربوط به جهاد، بر وجوب عینی یا کفائی جهاد دلالت می کند؟ میان مفسران در این مورد اختلاف است، از برخی تفاسیر استفاده می شود که وجوب عینی است زیرا در آیه ۲۱۶ سوره بقره با لفظ "علیکم" (بر شما) صریح در عموم مکلفین است ولی برخی دیگر آیه را بوجوب کفائی مطلق، اعم از عینی و کفائی حمل می کنند.

ابوالفتوح رازی می گوید درست است که فرض، بر کفایت می باشد و مذهب شافعی نیز بر این است^۱

مولف ادوار فقه می نویسد " از جمله احکام چهارگانه این آیه، حکم وجوب جهاد است که بصراحت از این آیه استفاده می شود، خواه اصلا و ذاتا کفائی باشد، چنانکه اکثر فقاء مذاهب (باستناد اصل و اجماع صحابه و غیر صحابه...) قائلند، یا عینی باشد چنانکه تنها از سعید بن مسیب (و از بعضی به پیروی از او) نقل شده است... و خواه اینکه وجوب کفائی اصلی و ذاتی بالعرض عینی می گردد (مانند اینکه افراد جهادگر کافی نباشند یا اینکه امام، شخص خاصی را معین کند یا اینکه حفظ افراد و فرماندهی آن بر شخص مخصوصی بستگی داشته باشد) یا نه؟^۲

جهاد در اسلام باید در مسیر الله باشد

یکی دیگر از آیات مربوط به جهاد آیه^{۲۴۴} سوره بقره است (و قاتلوا فی سبیل الله و اعلموا ان الله سمیع علیم) "در راه خدا کار زار کنید و بدانید که خدا شنوای دانا است.

بدیهی است که مراد از "فی سبیل الله" راه خدا و راه اجراء و تحکیم حق و عدل و حکم خدا می باشد^۳ نه برای خودنمایی و یا از روی دشمنی و کینه توزی یا - جنگ برای سلطه طلبی.

مرحوم استاد علامه طباطبائی در المیزان ج ۴ ص ۹۱ بهمین معنی اشاره می کند آنجا که می گوید خداوند مثل سایر موارد، وجوب جهاد را مقید به کلمه "فی سبیل الله" نموده تا توهم نشود که این وظیفه مهم دینی برای جهانگیری و کشورکشائی است بلکه منظور بیان شئون حیاتی جهاد است که موجب پیشرفت یک ملت در زندگی دنیوی و سعادت حقیقی او می باشد و حتی امر به اتفاق و بذل مال برای تجهیزیات لشکر و تهیه مهیات لازم می نماید و آنرا یک نوع قرض دادن، بخدا می داند (بقرض الله قرضا حسنا).

یکی دیگر از آیات جهاد، آیه^{۷۱} سوره نساء است (یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعا) یعنی "ای مومنان، سلاح جنگ برگزید و آنگاه دسته دسته یا بطور جمعی و متفق، برای جهاد بیرون روید".

این آیه علاوه بر دلالت بر وجوب جهاد با کفار، امر به تهیه وسائل جهاد و حرکت دسته جمعی بسوی میدان جنگ می کند، بر لزوم ایجاد آمادگی برای جهاد و وجوب حرکت بسوی دشمن بهنگام لزوم جنگ و نبرد نیز دلالت دارد^۴

شرایط وجوب جهاد

وجوب قتال با کفار برای تمام مسلمانان یکسان نیست زیرا، آمادگی جسمی و روحی افراد مختلف است یعنی وجوب قتال مثل سایر احکام شرعی، بستگی به قدرت و بلوغ و سایر شرایط تکلیف دارد.

اینجاست که جهاد از افراد نابینا و کر و لنگ و زمین گیر و پیر مرد و مستمند و بطور کلی کسانی که چنین عذرهایی در آنان باشد، ساقط است زیرا، جنگ، افراد کار آزموده و فعال و پرتحرک می‌خواهد و اینان چون فاقد این حالت هستند، در میدان های خونین جنگ، نقشی جز رحمت و دست و پا گیر شدن برای مجاهدان و مبارزان نخواهند داشت. چنانکه آیه ۵۹ سوره نساء «باین حقیقت تصریح می‌کند (لایستوی القاعدون من المومنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله) . . . مومنان خانه نشین غیر از معذوران آسیب دیده (مثل نابینا و پیرمرد و لنگ و زمین گیر و . . .) با مجاهدان راه خداوند که با مال و جان خود، (جهاد می‌کنند) یکسان نیستند، خداوند مجاهدان با مال و جان را برخانه نشینان پدراجاتی برتری داده است، و بسای همگان وعده خداوند نیکوتر است . . .»

اهداف جهاد در قرآن

اهداف و مقرراتی که قرآن برای جهاد ذکر می‌کند متعدد می‌باشد و طی آیات مختلفی در سوره های گوناگون، بیان شده است، این اهداف بقرار زیر میباشد.

۱- جهاد در اسلام برای نزدیکی به خداوند است و جزو عبادات محسوب می‌شود و در غیر اینصورت شرک و گناه می‌باشد آیه ۲۶۴ و ۲۶۵ سوره بقره به آن دلالت دارد (مراجعه کنید)

۲- اقدام بجهاد با ضوابط و دستورات خاصی انجام می‌گیرد که خداوند اعلام فرموده است (آیات ۱۹۱ - ۱۹۴ سوره بقره) و فقهاء آنها را در کتب فقه بیان کرده اند.

۳- جنگ در اسلام برای انتقام جوئی و اذیت کودکان و زنان و شکنجه و از بین بردن درختان و حیوانات ممنوع می‌باشد آیه ۸۳ سوره عنکبوت به این مطلب سال بیست و دوم شماره ۵

اشاره می کند ، از اینرو مسلمانها در خلال جنگ به تقوی و عدالت و فضیلت و نیکوئی توصیه شده اند این معنی را از آیه ۸۶ سوره مائده میتوان استفاده نمود)
 ۴- تجاوز و تعدی در حال جنگ با دشمنان از مرز اعتقاد و ایدئولوژی ممنوع است (سوره نساء آیه ۹۴)

دقیقا حقوق انسانی در جنگ باید مراعات گردد و عمل مسلمان جنگجو در میدان نبرد با دشمن کنترل شود تا مبادا انسان غضبناک و در حال طغیان ، خدا را نکرده از حدود شرعی تجاوز نکنند .

از : اذیت و آزار دیگران و کشتن و غارت اموال دیگران به بهانه جهاد منع شده است (سوره بنی اسرائیل آیه ۸۵)

۵- جنگ در اسلام برای خود کامگی و حاکمیت طغیان و مشروعیت دادن به تجاوز نیست چنانکه آیه ۷۶ سوره نساء به آن معنی دلالت دارد .

۶- و بالاخره در اسلام برای طمع و جمع مال و تظاهر و سد راه حق شدن ، نیست (سوره انفال آیه ۴۷)

۱- ص ۲۶-۲۸

۲- و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا ان الله لایحب المعتدین "

۳- کتب علیکم القتال و هو کره لکم "

۴- تفسیر ابوالفتوح رازی ج ۲ ص ۱۷۲- کنزالعرفان ج ۱ ص ۳۴۱

۵- ج ۲ ص ۶۷

۶- پرتوی از قرآن ج ۲ ص ۱۷۴

۷- ادوار فقه ج ۲ ص ۶۹

ما به افتخار من

امیر مؤمنان (ع) می فرماید:

إِلَهِي كَفَانِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا وَ كَفَانِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا

خداوند! برای من این افتخار بس که تو پروردگار من باشی و عزت

من همین بس که بندهء تو باشم

نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۲ ص ۲۵۵